آینه

یادداشت: «ثبت‌نام دریافت یارانه و شکست همه»؛ صادق زیباکلام

سرانجام مهلت ثبت‌نام دریافت یارانه به پایان رسید و برحسب آمار و نتایج اولیه بیش از ۷۰میلیون‌نفر ثبت‌نام کرده‌اند... اصولگرایان که منتظر فرصت بودند بلافاصله از نمد توجه‌نکردن مردم به استدعا و تقاضای دولت روحانی یک کلاه شیک و آبرومند دوختند و با مسرت نوشتند و گفتند که دولت روحانی محبوبیتش را از دست داده... گر حکم شود که مست گیرند، خیلی‌های دیگر هم اتفاقا مشکل پیدا می‌کنند. آیا اصولگرایان مطمئن هستند که اگر در زمان دولت طیبه آنها می‌بود و آقای احمدی‌نژاد از مردم خواسته بودند که ثبت‌نام نکنند آیا غیر از این می‌شد که در زمان آقای روحانی اتفاق افتاد؟ اتفاقا و با توجه به اینکه حامیان آقای احمدی‌نژاد بیشتر اقشار و لایه‌های کم‌درآمدتر جامعه هستند، آمار ثبت‌نام‌نکرده‌ها حتی در دولت آقای احمدی‌نژاد از این هم کمتر می‌شد. اصولگرایان فراموش کرده‌اند که بسیاری از نمایندگان و چهره‌های شاخص اصولگرایان از مردم خواستند که ثبت‌نام نکنند. اگر بی‌اعتنایی مردم به تقاضای دولت روحانی در انصراف از ثبت‌نام را حجتی بر کاهش و افت جایگاهش بدانیم در آن صورت این فقط دولت نیست که با مشکل افت جایگاه و بی‌اعتنایی مردم روبه‌رو شده، دیگران هم وضع خیلی بهتری ندارند. واقعیت آن است که پرداخت یارانه فله‌ای از همان ابتدا هم تصمیمی پوپولیستی، اشتباه و نابخردانه بود.

گزارش: «صعود دلار، سکوت مسوولان»

در حالی که مقامات ارشد دولتی درباره رشد قیمت‌ها در بازار ارز سکوت کرده‌اند، نرخ دلار در بازار آزاد همچنان به رکوردزنی خود ادامه داده و دیروز از مرز سه‌هزارو۳۰۰تومان گذشت... کارشناسان و تحلیلگران بازار ارز، رشد این روزهای قیمت دلار را ناشی از آمیختگی چند عامل می‌دانند. آنها اثرات روانی اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها، کاهش قیمت سهام در بورس و آزادشدن نقدینگی از آن و حرکت نقدینگی به‌سوی بازار ارز و افزایش واردات کشور و رشد تقاضا برای قیمت دلار را از جمله مهم‌ترین این عوامل عنوان می‌کنند. گروهی هم که بدبینانه‌تر به ماجرا می‌نگرند، به دست دولت و بانک مرکزی در پشت‌پرده رشد قیمت ارز اشاره کرده و عدم دخالت جدی بانک مرکزی در این روزهای بازار را شاهد مدعای خود عنوان می‌کنند. البته رشد عمدی قیمت ارز برای جبران کسری بودجه هدفمندی یارانه‌ها در دولت قبل مسبوق‌به‌سابقه است که باعث جهش تورم، افزایش قیمت بیشتر کالاهای اساسی و رشد نقدینگی شد که اثرات آن کماکان باقی است.

سرمقاله: «چرا غرب حقوق اسلامی زن را برنمی‌تابد؟»؛ سعدالله زارعی

غرب طی ۳۵سال گذشته از مواجهه واقعی با جمهوری اسلامی اجتناب کرده و همواره تصویری مخدوش از ایران نشان داده است کمااینکه بعد از سخنان روز شنبه رهبرمعظم‌انقلاب، غرب به‌هیچ‌وجه نقد مستند ایشان از آنچه در جامعه غربی بر سر زن می‌آید را بازتاب نداد و با تحریف و دروغ‌پردازی وانمود کرد که گویا از نظر ایشان زن جنس درجه‌دو است و شایسته برابری حقوقی با مرد نیست. از سوی دیگر آنان با استناد غلط و مغرضانه و توام با تحریف‌هایی دیگر وانمود کردند که اولا فلان شخصیت رسمی به اعمال تبعیض علیه زنان و حاکمیت جنس مرد بر زن اذعان کرده و ثانیا این سخنان نشانه عدم پذیرش سخنان رهبر ایران حتی در درون جمهوری اسلامی است. این در حالی است که اصل اینکه تفاوت‌قایل‌شدن بین جنس زن و جنس مرد مصداق تبعیض به معنای ظلم است نادرست می‌باشد و از سوی دیگر هیچ مسوول متدینی در ایران نمی‌تواند علیه سخنانی که پایه دینی محکمی داشته و از موضع مسوولیت و ارایه طریق هم بیان شده، سخن بگوید.

یادداشت: «نتیجه تفکر اشرافیگری توهین به ملت است!»؛ میکاییل دیانی

بزرگ‌ترین ضربه تفکر اشرافی‌گری در بین آقای رییس‌جمهور، خانواده و همراهانشان که منجر به برگزاری جشن‌های آنچنانی در کاخ سعدآباد با شوی مانکن‌ها و رقص و آواز و فروش لباس‌های چندمیلیونی و هدایای میلیونی و... می‌شود، به صدور انقلاب می‌خورد؛ وقتی میهمانان ویژه مراسم همسران سفرای کشورهای مختلف باشند، آنهایی که بخشی‌شان آرزوی اضمحلال جمهوری اسلامی در نظام غرب را دارند و بخشی چشم امید به جمهوری اسلامی برای مبارزه با غرب بسته‌اند، با برگزاری اینگونه مراسم، دشمنان امیدوار و آزادیخواهان ناامید خواهند شد.

سرمقاله: «توصیه‌های مهم به واعظان و ذاکران»

اولین‌بار نیست که رهبر انقلاب با توصیه‌های دقیق و دلسوزانه، مداحان را به رعایت ضوابط شرعی و شأنی محافل مذهبی و پیشوایان دینی راهنمایی می‌کنند و آنها را از گفتن مطالبی که موجب خدشه‌واردشدن به اعتقادات مردم و جایگاه دین می‌شود برحذر می‌دارند... متاسفانه بعضی مداحان، شاعران و حتی وعاظ حاضر نیستند حدود و ضوابط شرعی را در مراسم مذهبی رعایت کنند. استفاده از کلمات، عناوین و عبارات نازل و دون شأن پیشوایان دینی، نسبت‌دادن اموری که با اعتقادات مذهبی سازگاری ندارند و حتی با آن در تضاد هستند به معصومین و همچنین جعل مطالب تاریخی و نسبت‌دادن آنها به بزرگان دین، در محافل مذهبی بسیار دیده می‌شود.

عکس: AP

وارثان خزر

چانه‌زنی برای تعیین رژیم حقوقی به نشست سران موکول شد

شرق، محمدحسن نجمی: تعیین رژیم حقوقی برای خزر، پس از نزدیک به دو دهه تلاش، به نتیجه نرسیده است. از این‌رو، کشورهای حاشیه خزر هرازگاهی جلسه‌ای تشکیل می‌دهند تا همدیگر را به رژیمی در راستای منافع ملی همه همسایگان راضی کنند، اما هر بار بنا به دلایلی نمی‌شود. پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی یعنی ۱۳۷۰ خورشیدی، سه جمهوری «ترکمنستان»، «قزاقستان» و «آذربایجان» از دل اتحاد جماهیر شوروی خارج شدند و به جمع ایران و روسیه آمدند تا حاشیه خزر شلوغ‌تر از قبل شود. روز دوشنبه برای تعیین رژیم خزر، پنج وزیر خارجه حاشیه این دریاچه ۳۸۶هزار کیلومترمربعی در مسکو گرد هم آمدند تا پیش‌نویس بیانیه نشست سران کشورهای ساحلی خزر که قرار است اواخر تابستان در «آستراخان» روسیه برگزار شود را تنظیم کنند. اما این نشست «آستراخان» نخستین آن نیست، بلکه پیش از آن، سه دور دیگر، برگزار شده است. «عشق آباد» در اردیبهشت۱۳۸۱، «تهران» در مهر ۱۳۸۶ و «باکو» در آبان‌ماه ۱۳۸۹ سه نشست پیشین سران کشورهای حاشیه دریای خزر بوده است. بحث چالش‌برانگیز حق ایران در دریای خزر تنها مربوط به سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیست. پس ازدرگیری‌های بین ایران و روسیه، عهدنامه‌هایی به نام گلستان و ترکمنچای بین این دو کشور بسته شد. این عهدنامه‌ها که با اجرای یکی از مواردشان بیش از ۹۰ سال، ایران را از حق کشتیرانی نظامی محروم می‌کرد، را می‌توان از دوران تلخ سرزمین پارسیان و دریای شمالی‌اش دانست. اما این عهدنامه‌ها پس از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در همسایه شمالی ایران و به تبع آن تبدیل روسیه به «اتحاد جماهیر شوروی» و حاکم‌شدن مرام و مسلک کمونیستی بر آن سرزمین، لغو شد. اما نه از سوی حکومت ایران، بلکه «لنین» برای اثبات حسن‌نیت خود نسبت به ملل ضعیف جهان، الغای تمام امتیازات استعماری دولت تزاری پیشین را اعلام کرد. سه سال پس از آن بود که معاهده دوستی ایران و شوروی در سال ۱۹۲۱ امضا شد. همچنین موافقت‌نامه بازرگانی و بحرپیمایی ایران و اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۴۰ به امضا رسید. پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۳۷۰ طبق معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به صورت مساوی میان دو کشور ایران و روسیه تقسیم شده بود و هر دو کشور بر برابری حاکمیت و اصل تساوی حقوق یکدیگر تاکید کرده بودند. با فروپاشی شوروی و ظهور کشورهای جدید در منطقه ساحلی دریای خزر، تعریف جدیدی از رژیم حقوقی دریای خزر همواره مورد چالش کشورهای ساحلی بوده است. بدین‌ترتیب با اضافه‌شدن قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان به‌عنوان کشورهای ساحلی جدید و پیشرفت‌های علمی در زمینه بهره‌برداری منابع نفتی علاوه بر اینکه این کشورها را تشویق به آغاز عملیات اکتشاف و بهره‌برداری کرد، بازیگران فرامنطقه‌ای را نیز به حضور در منطقه ترغیب کرد.

پس از فروپاشی شوروی، روسیه و ایران خواهان آن بودند که کشورهای ساحلی دریای خزر به‌طور مشاع از این دریا بهره‌برداری کنند در حالی‌که سه کشور دیگر دریای خزر، خواهان تقسیم آن بودند. گرچه سال‌های سال است که خزر را دریا می‌نامند ولی در استدلال و حقوق دریاها، این حوزه آبی را شامل نمی‌شود چراکه طبق تعریف دریا باید به آب‌های آزاد به‌طور طبیعی دسترسی داشته باشد که خزر فاقد این ویژگی است. بنابراین با دریاچه خوانده‌شدن خزر، این حوزه آبی مشمول کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها نمی‌شود و رژیم حقوقی آن باید بر اساس توافق کشورهای ساحلی دریای خزر تعیین شود. این در حالی است که به موجب «کنوانسیون ۱۹۷۸ وین درباره جانشینی دولت‌ها» نیز کشورهایی که از تجزیه دیگر کشورها پدید می‌آیند باید به تعهدات کشوری که از آن جدا می‌شوند، عمل کنند. در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ (۳۰ آذر ۱۳۷۰)، جمهوری‌های شوروی سابق باامضای اعلامیه آلماآتا متعهد شدند که به قراردادهای شوروی با دیگر کشورها پایبند باشند. ایران نیز بر پایه کنوانسیون وین و اعلامیه آلماآتا استدلال کرده کشورهای ساحلی دریای خزر تا زمانی که در مورد رژیم حقوقی این دریا به توافق نرسیده‌اند باید از قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۱ پیروی کنند.

روسیه در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ با قزاقستان و سپس با آذربایجان پروتکل دوجانبه‌ای را تعیین کرد که با وصل کردن دو سر نقاط ساحلی این دو کشور عملا حدود ۲۷درصد دریا سهم قزاقستان و حدود ۱۹درصد دریا سهم روسیه می‌شود. سهمی حدود ۱۸درصد هم با همین فرمول برای آذربایجان در نظر گرفته شده و درواقع ۶۴درصد بستر دریا را این سه کشور میان خود تقسیم کرده‌اند اما ایران و ترکمنستان این نوع تقسیم‌بندی دوجانبه را به‌رسمیت نپذیرفته‌اند و نظام تقسیم دریا را غیرقابل قبول می‌دانند. هرچند ایران بر قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تاکید می‌ورزد، اما فروپاشی شوروی این امر را نشدنی کرده است چرا که کشورهای حاشیه خزر نه تنها راضی به آن نیستند بلکه حتی راضی به برقراری تقسیم مساوی سطح و بستر دریا نیز نیستند و سهم ایران از خزر را از «بندر میانکاله» در شرقی‌ترین تا «آستارا» غربی‌ترین نقاط مازندران یعنی نزدیک به ۱۱درصد می‌دانند. بر پایه برآوردهای آماری «سازمان بین‌المللی انرژی» (IEA) در سال ۲۰۱۳، میزان ذخایر نفت این دریاچه برابر با ۴۸میلیارد بشکه نفت خام و همچنین ۲۹۲هزارمیلیارد فوت مکعب گاز طبیعی است و بیشترین ذخایر اثبات‌شده نفت و گاز در سواحل شمالی و فلات قاره‌های این دریاچه است. این امر خزر را به یکی از نقاط راهبردی جهان انرژی در قرن بیست‌ویکم تبدیل کرده است. بر اساس این آمار جمهوری آذربایجان با مجموع ۹۲۲هزار بشکه و ترکمنستان با ۲۱۶هزار بشکه در روز، صددرصد از تولید نفت خود را از این دریاچه دارند و ایران و روسیه به ترتیب با صفر و یک‌درصد از مجموع تولید نفت خام خود از این دریاچه، کمترین سهم را در استخراج نفت دریای خزر در سرانه تولید نفت خود دارند.

در یکی از موارد اختلافی ایران با همسایگان خزری خود، می‌توان به میدان نفتی و گازی «سردار جنگل» اشاره کرد که محل مناقشه ایران و جمهوری آذربایجان است. میدان گازی سردارجنگل در دریای خزر و انتهای بخش مرزی آبی ایران در استان گیلان واقع شده‌است. میدان سردارجنگل، دارای ۵۰هزارمیلیارد فوت مکعب ذخیره «درجا»ی گاز است؛ یعنی بیش از ۱۰برابر میدان شاه‌دنیز در جمهوری آذربایجان. همچنین میزان نفت درجای لایه نفتی این میدان، دومیلیارد بشکه است که نفت قابل استحصال آن حدود ۵۰۰میلیون بشکه برآورد شده است.

اما به غیراز منابع زیرزمینی، بحث منابع زنده و محیط‌زیست نیز از مباحث مهم خزر است. آلودگی محیط زیست دریای خزر به‌ویژه پس از استقلال کشورهای حاشیه آن در سال ۱۳۷۰ میلادی مهم‌ترین دغدغه رهبران دولت‌های ساحلی شد. در دریای خزر، ۳۰۰ گونه گیاهی و جانوری، اکوسیستم این گستره آبی را تشکیل می‌دهند که به علت آلودگی بیش از حد استاندارد، همگی در حال نابودی هستند. ماهی‌های خاویاری دریای خزر، معروف‌ترین و مهم‌ترین گونه ماهی‌های دریای خزر محسوب می‌شوند که به دلیل صید بی‌رویه و قاچاق، نسل آنها در حال نابودی است. در این وضعیت نه چندان مساعد زیست‌محیطی، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان با اکتشاف و استخراج نفت، آلودگی‌های خزر را تشدید کرده‌اند. این در حالی است که خزر به‌عنوان بزرگ‌ترین دریاچه جهان به علت اینکه یک پهنه آبی بسته است، آلودگی‌های ناشی از اکتشافات نفتی در آن محبوس می‌شود. افزون بر آن، در زمان حاضر آلودگی‌های زیادی از جمله فاضلاب‌های خانگی، پساب‌های صنعتی و کشاورزی وارد دریای خزر می‌شوند. به گفته «بهرام امیراحمدیان» تحلیل‌گر ارشد منطقه قفقاز و مدرس دانشگاه، «فاضلاب شهری مانند باکو که دو و نیم میلیون جمعیت دارد به‌طور کامل به این دریا می‌ریزد یا فاضلاب‌های صنعتی از کارخانه‌هایی که در امتداد رود «ولگا» قرار دارند به‌طور مستقیم به این رود ریخته می‌شود و این رود نیز حدود ۹۰درصد آب‌های خزر را تامین می‌کند و منشأ آلودگی این دریاست. مهم‌تر از همه اینکه گردش آب دریا از سمت شمال به جنوب است؛ به این معنی که تمام فضولات انسانی و آلودگی‌های نفتی و صنعتی به طرف ایران حرکت می‌کند. در اینجا مساله کنوانسیون محیط‌زیست دریای خزر معروف به کنوانسیون تهران مطرح است که ما باید به طور جد آن را پیگیری کنیم.» «کنوانسیون تهران» ۱۳ آبان‌ماه سال ۸۲ با حضور رییس سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران، وزیر محیط‌زیست جمهوری آذربایجان و معاونان وزرای محیط‌زیست جمهوری قزاقستان، روسیه و ترکمنستان در تهران امضا شد که در آن بر ضرورت حفظ زیست‌محیطی دریای خزر تاکید شده است.

گفت‌وگوی «شرق» با یوسف مولایی، استاد حقوق بین‌الملل

راه دشوار ایران برای احقاق حق در «خزر»

با توجه به اینکه برخی حق ایران را ۲۰درصد می‌دانند، سهم ایران از سطح و بستر دریای خزر چقدر می‌تواند باشد؟

سهم کشورهای حاشیه خزر باید به اتفاق آرا تعیین شود. چندبار بحث ۲۰درصد بوده اما الان توافق بر اساس «اصل انصاف» مطرح شده است. همان‌گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری درمورد اختلافات دریای شمال از اصل انصاف استفاده کرده است.

در استفاده از اصل انصاف برای حل اختلافات اینچنینی چه مواردی مطرح است؟

اصل انصاف تنها بر پایه مباحث فنی نیست. یعنی استدلال در این مبحث، فقط بر اساس طول و مقعربودن ساحل نیست بلکه حقوق تاریخی، حق نیاز کشورها و جمعیت کشورها نیز باید درنظر گرفته شود. بنابراین بر اساس اصل انصاف، سهم تعدیل‌شده‌ای، خارج خواهد شد.

بر این مبنا حق ایران چگونه حساب می‌شود؟

سهم ایران وضعیت پیچیده‌ای پیدا کرده است. چراکه پیش از این، قزاقستان با روسیه، در مورد قسمت‌های شمالی خزر در زمان یلتسین به توافق رسیده‌اند و نزدیک به ۵۰درصد از آن را، بین خود تقسیم کرده‌اند. در این تقسیم، سهم قزاقستان ۲۸درصد و سهم روسیه ۱۹درصد درنظر گرفته شده بود. از طرف دیگر، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان نیز به نوعی این قضیه را پذیرفته‌اند و جز دو یا سه مورد اختلاف جزیی، مشکلی با این تقسیم ندارند.

اما ایران به این وضعیت معترض است ولی نمی‌توان امید زیادی داشت که کشورمان سهم بیشتری بگیرد. این امر مستلزم برقراری عرف و رویه‌ای جدید است که با توجه به هم‌پوشانی منافع چهار کشور با یکدیگر، دور از دسترس به نظر می‌رسد. زیرا در صورت تغییر عرف، باید سهم‌بندی و مرزبندی‌ها تغییر پیدا کند ولی چنین تحولی مورد موافقت روس‌ها و بقیه کشورها قرار نخواهد گرفت.

حق کشورها برای استفاده از سطح دریا، چگونه محاسبه می‌شود؟ مثلا برخی کشورها با تقسیم‌بندی مشاع موافقند.

روس‌ها برای کشتیرانی و به‌طور کلی استفاده از سطح دریا، علاقه دارند که استفاده از خزر به صورت مشاع باشد. چراکه اگر سطح دریا نیز تقسیم شود، هر کشوری اختیار منطقه خود را دارد و گمان آن می‌رود که به غیراز ورود ناوگان خود، ناوگان کشورهای فرامنطقه‌ای نیز پایشان به خزر وارد شود. به همین دلیل، روس‌ها علاقه‌ای به تقسیم سطح ندارند. روس‌ها به‌طور کلی خواهان سهم بیشتری از بستر و استفاده مشاع از سطح هستند. اما از طرف دیگر، برخی کشورها بر سر حق استفاده از منابع زنده دریای خزر نظیر صید ماهی و به‌خصوص خاویار، اختلاف‌نظر دارند. درمورد حق صید خاویار، قزاقستان خواستار حق صید بیشتری است، چراکه معتقدند تخم‌ریزی این ماهی‌ها در دهانه‌های آبریز ورودی قزاقستان به خزر است. به‌طور کلی منابع زنده و انرژی، حمل‌ونقل و امنیت از مشکلات این دریاست.

سهم ایران وضعیت پیچیده‌ای پیدا کرده است. چراکه پیش از این، قزاقستان با روسیه، در مورد قسمت‌های شمالی خزر در زمان یلتسین به توافق رسیده‌اند و نزدیک به ۵۰درصد از آن را، بین خود تقسیم کرده‌اند

در مباحث محیط‌زیستی خزر، کشورها چگونه با یکدیگر تعامل دارند؟

در میان این کشورها، بحث محیط‌زیست برای روس‌ها بحث تشریفاتی است و اهمیت چندانی ندارد. ایران می‌تواند با فعال کردن سازمان‌های مردم‌نهاد و تنویر افکارعمومی جهان، بر رفتار محیط‌زیستی این کشورها بر خزر به‌عنوان یک میراث مشترک بشری تاثیر بگذارد و قدرت چانه‌زنی‌اش را افزایش دهد.

اما روس‌ها با توجه به روابط خوبی که با ایران دارند، به‌نظر می‌رسد باید نسبت به ایران کمی منعطف‌تر اقدام کنند و این کار را نمی‌کنند. دلیل این امر چیست؟

روس‌ها بیش از اندازه به فکر منافع خودشان هستند. آنها به حقوق تاریخی مشترکی که با ایران دارند، توجه نمی‌کنند، همچنین بر اصل حسن همجواری عمل نمی‌کنند. سال‌هاست که فعالیت‌های نظامی‌شان را در خزر بیشتر کرده‌اند.

افزایش قدرت نظامی ایران در خزر باعث بالارفتن قدرت چانه‌زنی‌اش می‌شود؟ یا به طور مثال پرونده هسته‌ای ایران بر قدرت چانه‌زنی‌اش تاثیر منفی می‌گذارد؟

افزایش قدرت برای چانه‌زنی فقط به فعالیت نظامی بستگی ندارد. قدرت نظامی، اقتصادی و... اجزای تشکیل‌دهنده قدرت هستند. از طرف دیگر، روس‌ها از تنش‌های بین‌المللی ایران بهره‌برداری می‌کنند. به صورت کامل نه، ولی شاهد هستیم که از وقتی مباحث هسته‌ای ایران مطرح شده است، فعالیت‌های نظامی روسیه در خزر نیز افزایش یافته است. ایران با رفع این تنش‌ها می‌تواند عامل بهره‌برداری روس‌ها را از بین ببرد و قدرت چانه‌زنی‌اش در این موارد بیشتر شود.

پرسش از تاریخ

یک کشتار و ۲ روایت

مهسا جزینی

۳۰ فروردین ۱۳۵۴ «بیژن جزنی» از رهبران چریک‌های فدایی، همراه با شش‌نفر دیگر از چریک‌های فدایی خلق به نام‌های «حسن ضیاظریفی»، «احمد جلیلی افشار»، «مشعوف کلانتری»، «عزیز سرمدی»، «محمد چوپان‌زاده» و «عباس سورکی» به همراه «مصطفی جوان خوشدل» و «کاظم ذوالانوار» دو عضو سازمان مجاهدین خلق در تپه‌های اطراف زندان «اوین» توسط عوامل حکومت شاه تیرباران شدند. این روایت رسمی چرایی مرگ این زندانیان سیاسی تا امروز است. البته به‌جز دو روایت دیگر. یکی روایت رسمی رژیم شاه که همان روز بعد در روزنامه‌ها منتشر شد و دیگری روایت «پرویز ثابتی»، مدیرکل اداره سوم ساواک که اخیرا در خاطراتش آمده است. اما کدام روایت درست است؟ روایت ۳۱ فروردین ۵۴ روزنامه‌ها و روایت اخیر «ثابتی» یا روایت یکی از ماموران ساواک در همان ماه‌های اول انقلاب؟ روزنامه‌های آن زمان نوشتند که به‌دنبال دستگیری و محاکمه اعضای ساواک معلوم شد «جزنی» و یارانش نه در هنگام فرار که به وسیله ماموران به تپه‌های «اوین» برده و در آنجا به رگبار گلوله بسته شدند. بر اساس اسناد ساواک علت فوت «جزنی»، حادثه و درگیری با ماموران، هنگام فرار از زندان و اعلام‌کننده هم دادستانی ارتش و کمیته مبارزه با خرابکاران اعلام شده است. این درحالی است که «بهمن نادری» معروف به تهرانی-شکنجه‌گر مشهور ساواک-در ابتدای سال ۱۳۵۸ در دادگاه، تصمیم‌گیر اصلی این کشتار را «پرویز ثابتی» می‌داند: «زندانیان را از زندان تحویل گرفتند. ما هم در قهوه‌خانه نزدیک زندان اوین به انتظار ایستادیم. پس از تحویل آمدند و از طریق جاده‌ای که از داخل قریه اوین می‌گذشت به بالای ارتفاعات بازداشتگاه اوین رفتیم. در آنجا زندانیان را - درحالی که دست‌ها و چشم‌هایشان بسته بود - از مینی‌بوس پیاده کردند و همه را در یک ردیف روی زمین نشاندند. پس از اینکه روی زمین نشستند، «عطارپور» (بازجوی ساواک) یک قدم جلوتر آمد و شروع به سخنرانی کرد. گفت: همان‌طور که دوستان و رفقای شما همکاران و رفقای ما را در دادگاه‌های خودشان به مرگ محکوم کردند و آنها را کشتند، ما هم تصمیم گرفتیم شما را که رهبران فکری آنها هستید و با آنها از داخل زندان ارتباط دارید، مورد تهاجم قرار بدهیم و شما را اعدام کنیم و از بین ببریم. این حرف مورد اعتراض بیژن جزنی و چندنفر دیگر واقع شد. ولی نمی‌دانم عطارپور نفر اولی بود یا سرهنگ وزیری (رییس وقت زندان «اوین») که با یک مسلسل که آورده بود، رگبار را به روی آنها خالی کرد.» «پرویز ثابتی» در خاطرات اخیرش اما درباره آن فرار ادعا کرد: «پس از اینکه محمدتقی شهرام و سعادتی از زندان ساری و ربابه عباس‌زاده (اشرف دهقانی) از زندان قصر فرار کردند، بیژن جزنی و دوستان وی درصدد برآمدند با فرار از زندان، از خود قهرمان‌سازی کنند. آنها در زندان قصر، بسیار به موفقیت نزدیک شده بودند و در لحظه آخر، ماموران شهربانی، توانسته بودند که نقشه آنها را خنثی کنند. سرهنگ عباس وزیری، معاون اداره کل چهارم ساواک که مسوولیت زندان اوین با آن اداره بود، به من تلفن کرد و گفت: «ماموران قصد داشته‌اند، تعدادی از زندانیان را از زندان اوین به زندان دیگری منتقل کنند و در حوالی بزرگراه شاهنشاهی، زندانیان که در یک ون قرار گرفته و کامیونی از سربازان پشت‌سر آنها حرکت می‌کرده، با بریدن دستبند از «ون» خارج و قصد فرار داشته‌اند که راننده و یک مامور برای تعقیب به همراه آنها از ون خارج شده، لذا ماموران همراه به طرف آنها تیراندازی و ۹ نفر از زندانیان کشته و مامور همراه راننده نیز، تیر خورده و زخمی شده است» او مدعی است که «جزنی» در زندان، رهبری سازمان چریک‌های فدایی خلق را به عهده گرفته و خود را پدرخوانده این سازمان می‌دانست و از زندان تعلیمات و دستورالعمل، صادر می‌کرد و دستور قتل می‌داد. از این‌رو «ثابتی» معتقد است به اندازه کافی در این زمینه سند و مدرک وجود داشته تا پرونده او به دادرسی ارتش احاله شود تا در دادگاه به جرم رهبری گروه تروریستی و صدور دستور قتل، محاکمه و اعدام شود و نیازی هم به صحنه‌سازی نباشد. «ثابتی» در ادامه با اشاره به اینکه، «آوردن و بردن زندانیان از زندان به دادگاه‌ها، یا نقل‌وانتقال آنها از این زندان به آن زندان یا از یک شهرستان به شهرستان دیگر، از وظایف ماموران امنیت داخلی یا ضدجاسوسی نبود و به وسیله ماموران دژبان (شهربانی یا ژاندارمری) صورت می‌گرفت»، مدعی شده است: «پس از اینکه متهمی محکوم قطعی می‌شد، به‌کلی از حوزه عمل بازجویان امنیت داخلی، خارج می‌شد. ۹ نفر مورد بحث، محکومیت قطعی داشتند و دیگر امنیت داخلی، مسوولیتی درباره آنها نداشت.» روایت کشته‌شدن در حین فرار چه واقعی باشد، چه ساخته ساواک، اما بی‌علت نبود و یک بدل هم داشت. «بیژن جزنی» و دوستانش پیش‌تر هم یک سابقه فرار نافرجام در کارنامه خود داشتند. سال ۱۳۴۸ که زندانی «قصر» بودند، قصد فرار کردند اما دستگیر شدند و تنبیهش هم تبعید به قم بود. این تبعید اما پنج‌سالی بیشتر طول نکشید و سال ۵۳ به «اوین» منتقل شدند. همین قضیه باعث شده همه معتقد شوند ساواک با بهره‌برداری از آن تجربه ناکام، دست به صحنه‌سازی زده تا مخالفانش را به‌راحتی و به بهانه فرار سربه‌نیست کند. از آن‌سو، افرادی چون «پرویز ثابتی» هم با انگشت‌گذاشتن بر همان فرار اولیه و تحت‌فشاردانستن اعترافات «بهمن نادری»، مدعی تبرئه خود می‌شوند. هرچند، افکار عمومی، روایت شاهنشاهی از ماجرا را نمی‌پذیرند و به قربانی‌شدن ناجوانمردانه چریک‌ها باور دارند.

یادداشت

در حسرت توافق همسایگان

آزاده بابایی‌نژاد

● به‌موجب حقوق بین‌الملل عمومی و کنوانسیون حقوق دریاها، رژیم حقوقی آن دسته از دریاها و دریاچه‌هایی که دارای دو یا چند دولت ساحلی هستند، توسط توافقنامه‌های منعقدشده میان دولت‌ها، تعیین می‌شود و به «اصل اتفاق آرا» شهرت دارد که برای نمونه می‌توان به دریاچه ژنو میان فرانسه و سوییس اشاره کرد که همه کارشناسان بر اصل اعمال‌شده بر آن اذعان دارند.

این در حالی است که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، بازیگران جدیدی پا به عرصه مناطق سرشار گازی و نفتی بزرگ‌ترین دریاچه جهان گذاشته‌اند که در سال‌های اخیر به‌دلیل طولانی‌شدن گفت‌وگوها میان شش کشور ساحلی حاشیه دریای خزر و بی‌نتیجه‌ماندن گفت‌وگوهایشان درخصوص تعیین رژیم حقوقی این دریا نه‌تنها باعث تعمیق دامنه اختلاف‌ها شده بلکه عملا موجب شده تا دولت‌های هزاران کیلومتر دورتر از خزر بر روند گفت‌وگوها تاثیرگذار باشند. در این میان شش کشور مذکور برای برون‌رفت از این بحران گرچه توانسته‌اند توافقاتی محدود میان دو یا سه کشور ایجاد کنند که توافق سه‌جانبه روسیه، آذربایجان و قزاقستان در این چارچوب تفسیر می‌شود اما هنوز آنان نتوانسته‌اند به توافق جامع دست یابند. مهم‌ترین موارد اختلافی میان این کشورها در پی می‌آید: اختلاف بر سر تعاریف فنی مربوط به بخش‌ها و مناطق دریای خزر، عرض و رژیم حقوقی حاکم بر آنها و چگونگی تعیین محدوده‌های واقع در بستر دریا برای استفاده از منابع واقع در زیر بستر و همچنین حضور نیروهای نظامی در این دریا. باید گفت که منافع و مصالح برخی از همسایگان دریای خزر، مانع اصلی بر سر راه حصول توافق است که در این خصوص می‌توان به هم‌پیمانی جمهوری آذربایجان با اسراییل اشاره کرد که بنا به‌گفته شیمون پرز، رییس‌جمهوری اسراییل، باکو متحد کلیدی دولت متبوعش در منطقه است. آذربایجان در سال ۲۰۱۲ میلادی با امضای توافقنامه‌ای با اسراییل بالغ بر یک‌میلیاردو۶۰۰میلیون‌دلار، از این کشور تسلیحات نظامی خرید. اگرچه غربی‌ها به‌دلیل نگرانی از احتمال گسترش موج جدید درگیری‌ها در منطقه قفقاز، از فروش سلاح‌های نظامی به آذربایجان امتناع ورزیدند اما تل‌آویو بی‌توجه به عواقب جنگ احتمالی در این منطقه، آزادانه به باکو سلاح فروخت. کارشناسان بر این باورند که پهپادهای خریداری شده از اسراییل برای پاسداری از خطوط لوله و حوزه‌های نفتی دریای خزر است اما با توجه به اینکه جمهوری آذربایجان با ایران و ترکمنستان بر سر مناطق نفتی، کشمکش لفظی دارد وجود این پهپادها می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده به شمار آید. گفتنی است یک‌درصد جمعیت جمهوری آذربایجان، یهودی هستند که عمده آنها به‌عنوان متخصصان روسی‌زبان به اسراییل مهاجرت و تابعیت دوگانه دارند. آریل کوهن، تحلیلگر ارشد آمریکایی بر این باور است که دولت اوباما باید ابتکار عمل را از اسراییلی‌ها گرفته و در این بزنگاه تاریخی برای نیل به اهدافش از جمله مبارزه با تروریسم و تحکیم امنیت مرزی خزر، حجم همکاری با باکو را افزایش دهد. قزاقستان نیز به‌عنوان همسایه دریای خزر اقدام به نصب غیرقانونی سه دستگاه شیرین‌سازی آب این دریا در بندر آکتایو کرده که روزانه هشت‌هزارمترمربع آب دریا را برای مصارف شهری قابل شرب می‌کند. ترکمنستان نیز به‌عنوان کشوری که ۲۰سال از استقلالش می‌گذرد برای دومین‌بار اقدام به رزمایش نظامی در آب‌های خزر کرد که استفاده از ناوهای موشک‌انداز و هواپیماهای نظامی و جنگی موجب نگرانی سایر همسایه‌های خزر شد. منابع هیدروکربنی در بخش ترکمن دریای خزر و ۱۲میلیارد تن نفت و ۵۰۰میلیاردمترمکعب گاز این کشور را به کشوری توانمند بدل خواهد کرد. ترکمن‌ها به پیشنهاد آمریکایی‌ها قرار بود مسوولیت خطوط انتقال گاز به پاکستان را برعهده بگیرند اما برای ساخت این خطوط باید از افغانستان گذر می‌کرد که ضمن هزینه‌زابودن این پروژه، ترس از وقوع حملات تروریستی در خاک افغانستان، انجام این پروژه عقیم ماند. به نظر می‌رسد دستیابی به توافق میان شش کشور حاشیه دریای خزر می‌تواند این منطقه را از گزند بدخواهان در امان دارد.

ادامه از صفحه اول

رفراندوم یارانه‌ای؟

۸- به‌نظر اینجانب بهترین راه برای حل توأم مسایل قیمت‌های انرژی، یارانه نقدی، نرخ پایین انباشت سرمایه و رکود عمومی، ریختن بخش اعظم مابه‌التفاوت یارانه به حساب بنگاه‌های تولید در قبال خرید از آنها و تحویل کالاهای خریداری‌شده به خانوارها به قیمت تمام‌شده و به اقساط است. به‌هرحال پیشنهاد می‌کنم درآمدهای حاصل‌شده از هدفمندی حامل‌های انرژی در مرحله اول برای خرید کالاهای بادوام از اتومبیل گرفته تا پنکه، با سفارش‌گذاری ملی و فروش آن به اقساط، بدون هزینه‌های مالی به خانوارها باشد. مثلا دولت می‌تواند یک‌میلیون‌اتومبیل، چندمیلیون یخچال، فریزر، کولر، پلوپز و... را به شرط اصلاح محصول از تولیدکنندگان پیش‌خرید کند